

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



اداره آموزش و پرورش استان خراسان رضوی

شهرستان نیشابور

موسسه فرهنگی آموزشی امام حسین (ع)

دبیرستان دخترانه امام حسین (ع) - دوره دوم متوسطه

جسواره علمی پژوهشی تا ثریا

خوشبختی از دیدگاه اسلام

نام پژوهشگران :

دنیا فلاحتی

دهم دوره متوسطه دوم - رشته علوم تجربی

سال تحصیلی ۹۶-۹۷

چکیده

نهاد خانواده، یکی از اساسی ترین ارکان جامعه ی بشری و بستر فرهنگ های گوناگون و زمینه ساز خوش بختی و یا بدبختی انسان ها و ملت هاست. دین اسلام نیز - هدفش که برنامه ی سعادت و تکامل بشر است - عنایت ویژه ای به سلامت، رشد و پویایی این نهاد سرنوشت ساز دارد زیرا خانواده نهادی است که بر پایه ی ازدواج مرد و زن، شکل می -گیرد و با تولید مثل، توسعه می یابد. این نهاد، اساس زندگی شخصیت انسان و مهم ترین عامل تکامل جامعه است، از این رو اسلام برای تاسیس و تحکیم این نهاد سرنوشت ساز و پیش گیری از فروپاشی آن، ره نمودهای بسیار مهمی عرضه کرده است .

تامل در این ره نمودها و مقایسه ی آن ها با آن چه در سایر مکاتب درباره ی خانواده دیده می شود، به روشنی نشان می دهد که این مکتب ریشه در وحی الهی دارد و منطبق با فطرت انسانی است و برای صیانت خانواده و پیش -گیری از فروپاشی آن، راهی جز عمل به ره نمودهای این آیین الهی نیست. ما در این مقاله به چند مورد از این عوامل از منظر قرآن و روایات می پردازیم.

۵.....	مقدمه
۶.....	اهداف تحقیق
۶.....	سوالات تحقیق
۶.....	فرضیه تحقیق
۷.....	روش جمع آوری اطلاعات
۸.....	از نظر اسلام راز سعادت و خوشبختی چیست؟
۱۱.....	عوامل خوش بختی
۱۸.....	چند حدیث از خوشبختی
۱۹.....	کلید خوشبختی و سعادت در قرآن
۲۱.....	موانع سعادت و خوشبختی
۲۳.....	جمع بندی و نتیجه گیری
۲۴.....	منابع

خوش بختی در خانواده چیزی است که می توان با طرز کردار و گفتار، آن را تامین کرد زیرا خوش بختی و سعادت خرید و فروش نمی شود و گرنه فقرا هرگز شیرینی زندگی را نمی چشیدند. این طور نیست که هرگاه ثروت وجود داشته باشد، خوش بختی خود به خود از راه برسد. البته اگر بقیه ی عوامل خوش بختی جمع باشد ثروت چیزی بسیار خوب خواهد بود. به اصطلاح، ثروت برای خوش بختی علت تامه نیست تا خوش بختی ملزوم آن باشد. «بدون تردید، کانون گرم خانواده و صفای آن، با پول، شهرت و ... ارتباط مستقیم ندارد با محبت کردن به یک دیگر و با خودیاری می توانند چنان صفا و ایمانی در دل ها به وجود آورند که خروارها پول و ثروت جای آن را نگیرد.» (البته معنای این گفته ها تشویق به فقر نیست.)

وقتی رضایت از زندگی را خوش بختی بدانیم دیگر برای سعادت مند شدن به دنبال پول و ثروت نخواهیم بود. چه بسا خانواده های فقیری که در اوج رضایت و خوش بختی به سر می برند و با همه ی ناداری های شان احساس خوش بختی می کنند، همان گونه که گفته اند: «سعادت و خوش بختی، ممکن است به انسان روی آورد. در خانه ی محقر و کوچک هم سعادت را می توان به دست آورد، بدون آن که شریک زندگی انسان، شخصی کاملاً بی عیب و زیبا باشد.»

همه چیز به چگونه نگریستن برمی گردد. گاهی داشتن ثروت و مادیات باعث اختلاف و بدبختی می شود، چنان که ویلیام جیمز در این باره می گوید: «آه اگر همه ی بشر هم داستان شده، به این پیشیز ناچیز آن قدرها اهمیت نمی دادند، چه هماهنگی لذت بخشی در دنیا حکم فرما می شد. اگر علاقه به پول و افتخارات این دنیایی از روی زمین برانداخته می شد چه قدر مردم با هم دوستانه زندگی می کردند؛ به نظر من این امر، درمان همه ی دردهاست.»

اهداف تحقیق

بررسی معیارهای خوشبختی از دیدگاه اسلام

سوالات تحقیق

- ۱- آیا بین استعدادهای انسانی بالا.... استعدادهای عالی وجود و خوشبختی رابطه وجود دارد؟
- ۲- آیا بین تقوا و خودسازی و خوشبختی رابطه وجود دارد؟
- ۳- آیا قرآن مجید مهم ترین عامل و وسیله خوشی و آرامش روح و خوشبختی است؟

فرضیه تحقیق

- ۱- بین استعدادهای انسانی بالا.... استعدادهای عالی وجود و خوشبختی رابطه وجود دارد؟
- ۲- بین تقوا و خودسازی و خوشبختی رابطه وجود دارد؟
- ۳- قرآن مجید مهم ترین عامل و وسیله خوشی و آرامش روح و خوشبختی است؟

روش جمع آوری اطلاعات

براساس روش کتابخانه ای است همچنین استفاده از مقالات و کتب علمی معتبر و موتور های جستجوگر اینترنتی مانند گوگل ، یاهو و ... به دست آمده است.

از نظر اسلام راز سعادت و خوشبختی چیست؟

واژه خوشبختی در لغت، به معنای سعادت و خوش طالعی است.

«در مورد راه‌های رسیدن به خوشبختی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. مفهوم سعادت در همه نظام‌ها، اسلامی یا غیر اسلامی، یک مفهوم مقایسه‌ای است و به معنی دوام لذت و یا دوام نسبی لذت است و حتی مکاتب مادی نیز در زمینه سعادت دنیوی همین تفسیر را دارند. از این رو مثلاً به کسی که از مواد مخدر استفاده می‌کند و در دفعات نخستین از مصرف آن لذت فوق‌العاده می‌برد، در هیچ مکتبی حتی مکاتب مادی گفته نمی‌شود که او "سعادت‌مند" است؛ زیرا، در ورای این لذت‌ها و در باطن این احساسات و ادراکات لذتبخش، بدبختی‌ها و سیه‌روزی‌های بسیار وجود دارد. یکی از دانشمندان غربی می‌گوید: یکی از بزرگان گذشته ۲۸۸ عقیده مختلف را درباره خوشبختی، نقل می‌کند که تمام این عقاید را فیلسوفان و بزرگان جهان، اظهار داشته‌اند و هر یک از آنها برای وصول به خوشبختی راه متفاوتی را نشان داده‌اند.

چیزی که اسلام به طور ویژه مطرح می‌کند و منشأ تفاوت آن با نظام‌های دیگر می‌شود، این است که بر اساس ایمان به جهان پس از مرگ از وجود لذایذ و آلام دیگری نیز خبر می‌دهد و به تناسب آن، مفهوم سعادت را در مرحله نخست، لذت دائمی و جاودانی آخرت معرفی می‌کند.

اسلام، به انسان هشدار می‌دهد که زندگی وی منحصر به زندگی دنیا و لذایذ و رنج‌های دنیوی نیست. بلکه زندگی ابدی و جاودانه نیز با رنج‌ها و لذت‌های متناسب با اعمال انسان‌ها در راه است و این آدمی است که می‌تواند انتخاب کند زندگی زودگذر و فانی، یا سعادت جاودانه و همیشگی را».

مسئله است که سعادت و خوشبختی از آن‌جا که آسایش خاطر و آرامش بیشتری داشته باشد. با این بیان می‌توان گفت مال و ثروت و قدرت، منشأ سعادت و خوشبختی به حساب نمی‌آید، زیرا ثروت و قدرت، رفاه می‌آورند اما آرام‌بخش نیستند. یکی از دانشمندان انگلیسی می‌گوید: برای مردم عاقل، ثروت یکی از عوامل اضطراب و بدبختی است. مسئله مهم این است که باید بکوشیم تا مالک ثروت خود باشیم، نه بنده آن. کسانی که ثروت را بی‌اندازه دوست دارند، گویی خودشان را اسیر آن ساخته‌اند و از فکر این که مبادا در کشمکش حوادث، ثروتشان از دست برود، دائماً به خود می‌لرزند و هیچ وقت روی آسایش را نمی‌بینند.

با نگاهی به دنیای غرب، به خوبی می‌توان دید که آنان از نظر ثروت و قدرت، در اوج قرار دارند اما هرگز عدم نگرانی و آسایش را (که رمز سعادت است) به دست نیآورده‌اند. در سال ۱۹۹۸ میلادی در ایالات متحده، هجده میلیون نفر به افسردگی دچار شدند. در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی ارتکاب جرایم عمده در ایالات متحده در هر سال بیش از چهار صد میلیارد دلار به جامعه و قربانیان اصلی آن خسارت وارد ساخته است.

استاد مطهری می‌گوید: طرح و تنظیم برنامه سعادت، فرع بر این است که انسان با تمام استعدادهای پنهانی که

دارد، شناخته شود؛ زیرا سعادت از شکفته شدن استعدادها و بروز و ظهور و فعلیت یافتن قوه‌ها پیدامی شود. سعادت حقیقی وقتی حاصل می‌شود که تمام استعدادهای انسانی، بالاخص استعدادهای عالی وجود وی، از قوه به فعلیت برسد.

انسان با همه استعدادهایش باید شناخته شود، تا طرح و تنظیم چنین برنامه‌ای ممکن و میسر گردد. از طرف دیگر با توجه به این که با همه پیشرفت‌های عظیمی که نصیب بشر در علم و صنعت شده و با همه کشفیات شگفت‌آوری که در دنیای جمادات و نباتات و جانداران صورت گرفته، انسان هنوز موجودی ناشناخته است؛ پس باید قبول کرد هنوز علم بشر نتوانسته است مدعی شود می‌تواند طرح سعادت بشر را تنظیم کند. چگونه می‌توان طرح سعادت جامعی برای یک موجود تنظیم کرد، در حالی که حقیقت و ماهیت آن هنوز کاملاً شناخته نباشد. بر این اساس برای شناخت عوامل سعادت و خوش‌بختی باید به سراغ آفریدگار انسان که حقیقت وجود انسان را می‌داند و از راز و رمز سعادت انسانی و راههای شقاوت آن آگاه است برویم و از قرآن و مفسران واقعی آن (روایات معصومین) کمک بگیریم.

اسلام بشر را از جنبه جسم و جان و از جهت معنوی و مادی مورد توجه قرار داده است و سعادت انسان را در برخورداری از کمالات روحی و استفاده صحیح از تمایلات مادی می‌داند؛ از این رو عواملی مادی و معنوی را در تحصیل سعادت مؤثر می‌داند، که عبارتند از:

۱) ایمان به خدا؛ قرآن مجید در سوره عصر، افرادی را از خسران مستثنی کرده است و آن افراد مؤمن و نیکوکارند. آن‌ها به فلاح و رستگاری نائل می‌شوند.

خوش‌بخت کسی است که زندگی خوشایندی داشته باشد و این جز با آرمیدن در بستر خشنودی خداوند، امکان‌پذیر نیست.

۲) تقوا و خودسازی؛ قرآن مجید پس از یازده سوگند به صراحت می‌فرماید: سعادت و رستگاری برای کسی است که جان خود را از پلیدی تطهیر کند و بدبخت کسی است که به ناپاکی بگراید

استاد مطهری می‌گوید: پیغمبران الهی آمده‌اند که به ما راه زندگی و در ورودی زندگی و خوش‌بختی را نشان دهند. آمده‌اند به بشر بفهمانند بدی، بدکاری، هوس‌بازی، دروغ، خیانت، منفعت‌پرستی، کینه‌توزی و خودپرستی، راه ورودی زندگی و طریق رسیدن به سعادت و آرامش و رضایت خاطر نیست. دروازه ورودی زندگی و خوش‌بختی، نیکویی و نیکوکاری، راستی و درستی و استحکام اخلاقی و خیرخواهی و مهربانی است. تنها ایمان و اعتقاد به معنویات و سپس نیکوکاری بر اساس آن اعتقادات مقدس است که قلب را آرام و رضایت‌خاطر را تأمین می‌کند و سعادت را میسر می‌سازد.

۳) یاد خدا؛ قرآن مجید مهم‌ترین عامل و وسیله برای خوشی و آرامش روح را یاد خدا می‌داند و می‌فرماید: دل آرام گیرد به یاد خدا، (۹) و روی گرداندن از یاد خدا را عامل سیه‌روزی می‌داند و می‌فرماید: هر کس از یاد من روی گرداند، زندگی‌اش تنگ می‌شود.

۴) عمل صالح ؛ قرآن کریم اموری همانند جهاد در راه خدا، امر به معروف ، نهی از منکر، شکر نعمت های الهی و توبه را مایه حیات و سعادت انسان می شناسد.

۵) هم نشینی با بزرگان ؛ پیامبر اکرم (ص) می فرماید: اسعد الناس من خالط کرام الناس ؛ سعادت مندترین مردم کسی است که با افراد بزرگوار و کریم هم نشین باشد.

۶) همسر، فرزند و منزل شایسته ؛ در روایتی رسول خدا (ص) می فرماید: «من سعادة المرء المسلم الزوجة الصالحة و المسکن الواسع و المركب الهنيء و الولد الصالح ؛ از سعادت مرد مسلمان است که همسر شایسته ، خانه وسیع ، مرکب راهوار و فرزند شایسته داشته باشد».

۷) پند پذیری ؛ امام علی (ع) می فرماید: السعيد من وعظ بغيره ؛ سعادت مند کسی است که از سرنوشت دیگران پند گیرد.

۸) عاقبت به خیری ؛ امام صادق (ع) از امام علی (ع) نقل می کند: حقیقت سعادت این است که آخرین مرحله زندگی انسان با عمل سعادت مندانه ای پایان پذیرد و حقیقت شقاوت این است که آخرین مرحله عمر با عمل شقاوت مندانه ای خاتمه یابد».

۹) آخرت گرایی: از منظر حدیث، خوش بخت، دنیا را (که فقط برای امتحان در مسیر راه انسان قرار گرفته) رها می کند یا از تعلقاتش به آن می کاهد و در مسیر آخرت گام بر می دارد.

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود زهر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است
انسان عاقل، خوشبختی را در امور فانی و متغیر نمی جوید. سعادت واژه مقدسی است که عقل و روان پاک آن را تفسیر می کند و متاع قلیل ، لذت زودگذر و متغیر و در یک کلمه "دنیا" نمی تواند تفسیر کننده آن باشد.
مولای متقیان نیک بختی را چنین تفسیر می کند: "نیک بخت ترین فرد کسی است که لذت فانی (دنیا) را برای لذت باقی (آخرت) رها کند".

چون دنیا دار فانی است و بی اعتباری خویش را ثابت کرده و مرگ، عبرت بزرگ آن است، گشتن در پی خوش بختی و یافتن این گنج بزرگ در جایی و برای جایی که از بین رفتنی است، بیهوده است.

عوامل خوش بختی

«کسی که درصدد ساختن خانه ای است، قبل از ساختن، مقدمات آن را فراهم می سازد؛ زمین می خرد، مصالح آماده می کند و طرح می ریزد تا خانه ی آینده اش کاملاً مطلوب و بی عیب باشد. در زندگی نیز باید از قبل، در انتخاب اعضای خانواده و چگونگی ساختن زندگی آینده بسیار دقت کرد؛ این ها از مهم ترین مسائلی است که سلامت و پای داری زندگی را تامین کرده و خوش بختی را به ارمغان می آورد.»

در این بخش، برخی ملاک ها برای شروع زندگی خوب، آورده شده است:

۱- دقت در انتخاب همسر

اولین عامل خوش بختی در خانواده، دقت در انتخاب همسر است؛ زیرا ازدواج یک امر بسیار مهم و سرنوشت ساز است که کام یابی یا شکست در آن، در زندگی آینده تاثیر به سزایی دارد. همسر خوب و موافق، زندگی را قرین آرامش و آسایش می کند و زمینه را برای پرورش استعدادهای درونی و سعادت و خوش بختی فراهم می سازد. برعکس، شکست در ازدواج موجب یاس و دل سردی می شود و استعدادهای درونی را از حرکت و تکامل باز می دارد. با طلاق و جدایی هم نمی توان مشکل را حل کرد زیرا امری است دشوار و ده ها مشکل به همراه دارد. بنابراین بر جوانان لازم است که قبل از ازدواج کمال دقت و عاقبت اندیشی را انجام دهند و سعی کنند همسری خوب و موافق بیابند.

در همین زمینه امام صادق(ع) می فرماید: «زن به منزله ی گردن بندی است که بر گردن می افکنند پس مراقب باش که چه چیزی را بر گردن می افکنی؛ و برای زن نمی توان قیمتی را تعیین کرد، چه خوب و چه بد اما ارزش زن- های نیک را با طلا و نقره نمی شود تعیین کرد زیرا آن ها از طلا و نقره ارزش مندترند و اما بدان آن ها ارزش خاک را هم ندارند، زیرا که خاک از آن ها بهتر است». ابراهیم می گوید به امام صادق(ع) عرض کردم: «همسر من فوت شده. او همسر خوب و سازگاری بود. اکنون قصد دارم مجدداً ازدواج کنم. فرمود: "خوب دقت کن که خودت را در کجا می نهی و چه کسی را در مالت شریک می گردانی و بر دین و اسرار آگاه می سازی".»

امام رضا(ع) می فرماید: «به بنده ی خدا فایده ای بهتر از همسر خوب نمی رسد که وقتی او را می بیند خشنودت سازد و در غیاب او از نفس خودش و مال شوهرش حفاظت کند». از این روایات به خوبی فهمیده می شود که یکی از عوامل خوش بختی در خانواده دقت در انتخاب همسر است زیرا انتخاب همسر مانند لباس خریدن، موقتی نیست. تو می خواهی یک عمر با او زندگی کنی و او را محرم راز خود قرار دهی، ممکن است در اثر عجله و عدم دقت کافی، ناچار شوی عمری را با ناراحتی و گرفتاری بگذرانی.

۲- ایمان و دین داری

ایمان و دین داری یکی از عوامل بسیار مهم و اساس خوش بختی در خانواده به حساب می آید. در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) نیز به آن تاکید شده است. قرآن کریم در همین زمینه می فرماید: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَا مَهْ مُؤْمِنَةً خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَكَلَّوْا عَجَبْتِكُمْ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبِدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَكَلَّوْا عَجَبْتِكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ؛ با زنان مشرک تا زمانی که ایمان نیاورده اند ازدواج نکنید، اگرچه به خاطر مال یا جمال و مقام (موقعیت) شما را به شگفتی آورند و زنان خود را به ازدواج مردان مشرک و بت پرست تا ایمان نیاورده اند در نیاورید اگر چه (مال و زیبایی و موقعیت) آنان شما را به شگفتی آورند؛ زیرا آن ها شما را به سوی آتش دعوت می کنند و خداوند شما را به بهشت و آمرزش دعوت می نماید» .

همچنین رسول خدا (ص) می فرماید: «هر کس با زنی برای مالش ازدواج کند خدا او را به همین امر واگذار می نماید و هر کس که برای جمالش ازدواج کند به چیزی می رسد که از آن کراهت دارد و هر کسی که برای دین داری ازدواج کند خداوند هر سه را برایش جمع می کند.» و نیز امام صادق (ع) می فرماید: «اگر مرد با زنی برای جمال یا مال ازدواج کند به همین امر واگذار می شود ولی اگر برای دین دار بودن او ازدواج کند خدا مال و جمال را نیز نصیبش می گرداند.»

البته اسلام مخالف زیبایی و ثروت نیست، اما اگر امر دایر باشد بین دین دار و زیبا و یا دین دار و ثروت مند، دین دار مقدم است زیرا زن دین دار مایه ی سعادت و خوش بختی انسان است. رسول خدا (ص) می فرماید: «از سعادت و خوش بختی مرد آن است که زن صالح و پاک دامن داشته باشد.» آن چه که از این آیه و روایت استفاده می شود، این است که انسان هوشیار هیچ گاه به آراستگی زنان نگاه نمی کند و به جمال آنان فریب نمی خورد، بلکه به ذاتیات و تدین وی می اندیشد.

۳- عقل و هوش

عقل و زیرکی، یکی دیگر از عوامل خوش بختی در خانواده محسوب می شود. اداره و تداوم و پیمودن راه راست و حل مشکلات زندگی کار ساده ای نیست. اگر دو همسر با هم تفاهم داشته باشند و موقعیت یک دیگر و شرایط و امکانات زندگی را خوب درک کنند می توانند زندگی را بر پایه ی صحیحی استوار سازند و به انجام وظیفه مشغول باشند و به کانون خانواده، صفا و محبت و گرمی دهند و با عقل و درایت مشکلات را حل و فصل نمایند .

همسر عاقل، امکانات خانواده و شرایط و اوضاع زندگی را خوب درک می کند و با توقعات بی جا و بلندپروازی همسرش را در فشار قرار نمی دهد. اکثر اختلافات خانواده و کشمکش های زندگی، معلول جهالت و نادانی زن و شوهر یا یکی از آن ها است. زوجین هر چه عاقل تر باشند بهتر می توانند همسر داری کنند و وسیله ی آسایش و

خوشی همدیگر را فراهم سازند و از اختلافات و مشکلات بکاهند. همسر عاقل، گذشت و بردباری دارد و با بهانه های کوچک و جزئی زندگی را متلاشی نمی سازد.

عقل و هوش زن و شوهر در فرزندان نیز تاثیر دارد. فرزندان خانواده ی خوش فهم و با هوش، غالباً زیرک می شوند و برعکس، حماقت و نادانی پدر و مادر نیز معمولاً به فرزند منتقل می شود همسر با هوش و عاقل بهتر می تواند در تعلیم و تربیت فرزندانش انجام وظیفه نماید. عقل و درایت یکی از عوامل باارزش خوش بختی محسوب می شود که به هنگام گزینش همسر باید کاملاً مورد توجه قرار بگیرد. در همین زمینه امام علی(ع) می فرماید: «با انسان احمق و نفهم ازدواج نکنید زیرا معاشرت با او بلایی است عظیم و فرزندانش نیز ضایع خواهند شد.» همچنین امام صادق(ع) می فرماید: «عقل، دلیل و راه نمای مومن است.»

۴- تفاهم اخلاقی

چهارمین عامل خوش بختی در خانواده تفاهم اخلاقی است چون زن و شوهر باید یک عمر با هم زندگی کنند. اگر خوش اخلاق باشند زندگی آن ها شیرین و دل پذیر و گرم و باصفا خواهد بود و با تفاهم اخلاقی مشکلات زندگی را حل و فصل خواهند کرد و برعکس اگر هر دو یا یکی از آن ها بد اخلاق باشند زندگی بر هر دو نفر سخت و دشوار خواهد شد و چیزی نمی تواند تلخی آن را شیرین سازد .

اخلاق نیک یکی از بهترین عوامل خوش بختی محسوب می شود که شامل راست گویی، امانت داری، خوش اخلاقی، خوش زبانی، خیرخواهی، پاکیزگی، باادبی، گذشت، بردباری، وظیفه شناسی، نجابت، عفت، کم توقعی، نرم خویی، رعایت اقتصاد در زندگی، شجاعت، ایثار و ... که برای هر انسان یک مزیت واقعی است. برعکس این صفات، از نقاط نقص و ضعف انسان محسوب می شود مانند: تندخویی، خشم، دروغ گویی، خیانت، لجاجت، کینه توزی، حسادت، بدبینی، بی ادبی، پررویی، بدزبانی، ترسوئی، نفاق، پرتوقعی، بخل، کثیف بودن، ولخرجی و ... در همین زمینه، روایات فراوانی وارد شده است .

رسول خدا(ص) می فرماید: «اگر کسی به عنوان خواستگاری به نزد شما آمد که خلق و دینش را می پسندید، با او ازدواج کنید و اگر به این دستور عمل نکنید فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود خواهد آمد.» و نیز در روایات دیگر می فرماید: «دخترت را به ازدواج انسان متقی و پرهیزگار در آور زیرا اگر دخترت را دوست داشته باشد او را اکرام و احترام می کند و اگر نسبت به او بغض داشته باشد به او ظلم نمی کند.»

«حسین بشار واسطی» می گوید: «به امام رضا(ع) نوشتم، یکی از خویشاوندان از دخترم خواستگاری کرده است اما بد اخلاق است. امام فرمود: "اگر بد اخلاق است دختر به او نده." از روایات برمی آید که زن و شوهر بدون تفاهم اخلاقی نمی توانند مشکلات زندگی را حل و فصل کنند. زندگی با همسر بد اخلاق و بد رفتار و ... رنج آور است

و انسان هر روز آرزوی مرگ می کند زیرا دیدن حالات و رفتار و مشاهده ی گفتارهای بد او، از تحمل هر انسان صبور و شکیبایی خارج است. بنابراین، شرط اساسی زندگی سالم، صمیمی، بانشاط و باصفا، داشتن همسری خوش اخلاق و عفیف و نیک گفتار است.

۵- عفت و پاک دامنی

از جمله عوامل خوش بختی در خانواده عفت و پاک دامنی است. اگر ما به قرآن کریم و روایات معصومان دقت کنیم به خوبی می فهمیم که آنان بر عفت و پاک دامنی تاکید فراوان می کردند. قرآن شریف در همین زمینه می فرماید: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرْمٌ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ؛ مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی کند و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک، به ازدواج خود در نمی آورد و این کار بر مومنان حرام شده است.»

همچنین رسول خدا(ص) می فرماید: "خداوند متعال می فرماید: «وقتی اراده کنم که خیر دنیا و آخرت را برای یک مسلمان جمع کنم، قلبی خاشع و زبانی ذاکر و تنی صابر بر بلا به او عطا می کنم و همسری به او می دهم که از نگاه کردن به وی شادمان شود و آن زن در غیاب شوهر از نفس خود و مال [دارایی] شوهرش نگه داری کند.»" همچنین امام صادق(ع) می فرماید: «کفو بودن در این است که عقیف و پاک دامن باشد و از امکانات اقتصادی نیز برخوردار باشد.» و نیز امام صادق(ص) در باره ی سعادت و خوش بختی انسان می فرماید: «خوشا به حال کسی که مادرش عقیف و پاک دامن باشد.»

این که در فرهنگ دینی و سفارش پیشوایان معصوم(ع) به پاکی و عفت مردان و زنان تاکید فراوان شده، برای آن است که اگر پدر و مادر بدرفتار و ناپاک باشند و توجه به دستورات شرعی نداشته باشند، در اخلاق و روش کودک اثر نامطلوبی برجای خواهد گذاشت و اغلب کودکان به خصوص دختران قدم جای مادران می گذارند .

آن چه که از این آیه و روایات به خوبی می فهمیم، این است که زندگی زناشویی بر پایه ی انحصار و اعتماد برپا می-شود. زن و شوهر قصد دارند تمام وجود یک دیگر را تصاحب نمایند و دیگری در این کانون راه نداشته باشد. مرد از همسرش انتظار دارد که چشم طمع از مردان بیگانه قطع کند و تمام وجودش را در انحصار او قرار دهد به مردان بیگانه نگاه نکند، محبت دیگری در دلش نباشد، زیبای هایش را در معرض دید دیگران قرار ندهد، با آن ها گرم نگیرد و شوخی و مزاح نکند و عقیف و پاک دامن باشد .

مرد به هنگام گزینش همسر، درصدد یافتن زن عقیف، با حیا و پاک دامن است که صد در صد مورد اعتماد باشد و این خواسته ی بسیار باارزش و مشروعی است زیرا زندگی با یک زن خیانت کار برای یک مرد غیور غیر قابل

تحمل است. زن نیز به هنگام ازدواج درصدد یافتن شوهر عقیف و پاک دامنی است که صد در صد مورد اعتماد باشد، چشم چرانی نکند و دلش را از محبت زنان بیگانه خالی گرداند و تمام وجودش را در انحصار همسر مشروعش قرار دهد.

۶- اهداف مشترک

یکی دیگر از عوامل خوش بختی در خانواده، اهداف مشترک محسوب می شود. هر چه مشترکات میان افراد، افزایش یابد به همان مقدار امکان توافق، بیشتر می شود. وقتی دو انسان، علاقه ها و مشترکات فراوان دارند، امکان بیشتری برای همزیستی سالم دارند. در پیمودن راه زندگی باید بر مشترکات طرفینی افزود و از زمینه های اختلاف کاست. به گفته ی مولوی مشترکات، زاغ و لک لک را نیز سازگار می نماید :

آن حکیمی گفت: دیدم هم تکی

در بیابان زاغ را با لک لکی

در عجب ماندم بجستم حال شان

تا چه قدر مشترک یابم نشان

چون شدم نزدیک، من حیران و دنگ

خود بدیدم هر دو ان بودند لنگ»

البته این مسئله، را هم تجربه اثبات می کند، هم عقل و هم روان شناسی، چنان که یکی از روان شناسان می نویسد: «روشن است که بسیاری از الگوهای روابط زناشویی می توانند عمل کرد رضایت بخش داشته باشند. عناصر مشترک زیر احتمالاً در این الگوها دیده می شود:

۱- **احترام متقابل**: زن یا شوهر در همسر خود توانایی یا ویژگی مهمی را می بیند که از نظرش قابل احترام است.

۲- **شکیبایی**: توانایی زن و شوهر در پذیرش کم بودهای یک دیگر.

۳- **توانایی توافق بر سر هدف های مشترک و پیش برد آن ها**.

روان شناس دیگری می گوید: «بهترین حالت هنگامی است که دو همسر در خدمت یک آرمان یگانه چون هنر، عدالت اجتماعی یا خدا به هم پیوسته باشند.» بنابراین، وقتی که می خواهیم هم سفر یا همسر را انتخاب کنیم، باید کسی را برگزینیم که با ما در یک مسیر و به سوی هدف مشترک در حرکت بوده و به ارزش های مورد پسندمان پای بند باشد، چون ارزش های مشترک بین دو انسان الفت و صمیمیت ایجاد می کند ولی کدامین هدف مشترک، بالاتر از ارزش های شرعی و دینی است؟

۷- عمل صالح

از مهم ترین عوامل خوش بختی انسان در دنیا و آخرت عمل به احکام شرعی و دینی است و این مطلب را می توان از آیات قرآن کریم استخراج کرد. قرآن شریف خانواده ای را طراحی می کند که مکتب و معبدی است که اعضای آن مدارج بندگی را طی می کنند و به حیات طیبه راه می یابند. افراد در خانواده، علاوه بر تامین حقوق دنیوی خود مانند امنیت، آرامش، تغذیه، بهداشت مناسب، تحصیل علوم و عدالت اجتماعی و ... حقوق معنوی خود را نیز جست و جو می -کنند. مرد و زن موظف به ایجاد شرایط مقتضی و رفع موانع برای دست یابی یک دیگر به این حقوق هستند .

در همین زمینه قرآن کریم می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ انْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مومن است، او را به حیاتی پاک، زنده می داریم و پاداش آن ها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند خواهیم داد». خداوند در این آیه، شرط رسیدن به حیات طیبه و دخول در بهشت و اجر اعمال را، ایمان و عمل صالح ذکر می کند و این دو، تنها در محیط خانواده کسب می شود. دین اسلام هیچ گونه فرق میان زن و مرد در کسب حقوق معنوی نگذاشته است: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ؛ (آری) هر کس در گرو اعمال خویش است.»

و نیز در آیه دیگری می فرماید: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ اَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ اَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِيْنَ اِمَامًا؛ و کسانی که می گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندان ما مایه ی روشنی چشم ما قرار بده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان.» «قره» از واژه ی قرار است و منظور از «قره اعین»، آرامش دیدگان است. چشم انسان در چیزی که خوشایند اوست، آرام می گیرد .

در این آیه، عباد الرحمن از خداوند درخواست می کنند که همسران و فرزندان شان را مایه ی آرامش چشم آن ها قرار دهد و از آن جا که چشم و دل مومن جز به رضای حق آرام نمی گیرد، نتیجه ی آیه این است که: پروردگارا، نسل و اهل خانه ی ما را در مسیر خود و مورد رضای خود قرار ده. خلاصه آن که مومنین -

عباد الرحمن - علاوه بر انجام مسئولیت خود در قبال تامین حقوق معنوی خانواده، برای کمال معنوی آنان و رسیدن به رضای حق نیز دعا می کنند.

شاید انگیزه برای این خیرخواهی و دعا، این آیه باشد: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ؛ کسانی که ایمان آوردند و فرزندان شان به پیروی از آنان ایمان اختیار کردند، فرزندان شان را در بهشت به آنان ملحق می کنیم؛ و از پاداش عمل شان چیزی نمی کاهیم؛ و هر کس در گرو اعمال خویش است.»

در تفسیر قرطبی، ذیل همین آیه ی فوق از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمودند: «خداوند ذریه ی مومن را در بهشت همدرجه ی او قرار می دهد، هر چند آن ذریه از حیث عمل و پاداش از او نازل تر باشند، برای آن که به وجود ایشان و پیوستگی ایشان، چشم روشن شود.» ۲۹ در قرآن کریم از خیرخواهی، نصیحت و دعای والدین برای فرزندان، شواهد دیگری نیز وجود دارد؛ نظیر نصایح لقمان به فرزندش که در طی پنج نصیحت عمده، وی را به توحید و دوری از شرک، حسن خلق، نماز، امر به معروف و نهی از منکر، صبر و شکیبایی و میانه روی توصیه می کند و از تکبر، خودپسندی، فخر و مباهات به دیگران منع می کند .

همچنین درخواست حضرت نوح برای پسرش که خداوند او را به خویش ملحق گرداند: «وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ اهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ؛ نوح به پروردگارش عرض کرد: پروردگارا! پسر من از خاندان من است و وعده ی تو (در مورد نجات خاندانم) حق است؛ و تو از همه ی حکم کنندگان برتری.» اما از آن جا که پسر نوح غیر صالح بود و از اهل او حساب نمی شد، پاسخ شنید: «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعْطِكُكَ ان تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ؛ ای نوح! او از اهل تو نیست؛ او عمل ناصالحی است [فرد ناشایسته ای است] پس آن چه را آگاه نیستی از من مخواه.»

پدر مورد تایید قرآن که به عنوان الگوی والدین معرفی می شود، حضرت ذکریا (ع) است که فرزندی موحد و حکیم چون یحیی دارد و قرآن او را به عنوان فرزندی نیکوکار نسبت به والدین و پرهیزگار و دور از ستم گری و عصیان می -ستاید و به او درود می فرستد: «و برأ بوالديه و لم یکن جباراً عصیاناً و سلام علیه یوم ولد و ...؛ او نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و جبار (و متکبر) و عصیان گر نبود. سلام بر او، آن روز که تولد یافت و آن روز که می میرد و آن روز که زنده برانگیخته می شود!» و مریم مادر نمونه ای که فرزندی چون عیسی به دنیا می آورد و خداوند فرزندش را به نیکی به مادر توصیه می کند. «و اوصانی بالصلوه و الزکاه مادمت حیا و برأ بوالدتی و لم یجعلنی جباراً شقیاً»

چند حدیث از خوشبختی

۱- پیامبر صلی الله علیه و آله: مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ اسْتِخَارَةُ اللَّهِ وَ رِضَاهُ بِمَا قَضَى اللَّهُ وَ مِنْ شِقْوَةِ ابْنِ آدَمَ تَرْكُهُ اسْتِخَارَةَ اللَّهِ وَ سَخَطُهُ بِمَا قَضَى اللَّهُ؛

از خوشبختی انسان درخواست خیر از خداوند و خشنودی به خواست اوست و بدبختی انسان است که از خدا درخواست خیر نکند و به خواست او ناخشنود باشد .

۲- پیامبر صلی الله علیه و آله: إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ إِنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيَّ حَقَّ الشَّقِيَّ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ وَفَاتِهِ؛

خوشبخت کامل و واقعی کسی است که علی را در زندگی و بعد از مرگش دوست بدارد و بدبخت کامل و واقعی کسی است که دشمن علی در زندگی و بعد از مرگش باشد.

۳- پیامبر صلی الله علیه و آله: أَرْبَعٌ مِنَ السَّعَادَةِ وَ أَرْبَعٌ مِنَ الشَّقَاوَةِ، فَالْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ السَّعَادَةِ: الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَالْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ وَالْجَارُ الصَّالِحُ وَالْمَرْكَبُ الْبَهِيُّ وَالْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ الشَّقَاوَةِ: الْجَارُ السُّوءُ وَالْمَرْأَةُ السُّوءُ وَالْمَسْكَنُ الضَّيِّقُ وَالْمَرْكَبُ السُّوءُ؛

چهار چیز از خوشبختی و چهار چیز از بدبختی است: چهار چیز خوشبختی: همسر خوب، خانه بزرگ، همسایه خوب و سواری نیکو است و چهار چیز بدبختی: همسایه بد، همسر بد، خانه کوچک و سواری بد است .

۴- پیامبر صلی الله علیه و آله: إِذَا اسْتُحِقَّتْ وَّلَايَةُ اللَّهِ وَالسَّعَادَةُ جَاءَ الْأَجَلُ بَيْنَ الْعَيْنَيْنِ وَ ذَهَبَ الْأُمُورَاءَ الظَّهْرُ إِذَا اسْتُحِقَّتْ وَّلَايَةُ الشَّيْطَانِ وَالشَّقَاوَةُ جَاءَ الْأَمَلُ بَيْنَ الْعَيْنَيْنِ وَ ذَهَبَ الْأَجَلُ وَرَاءَ الظَّهْرِ؟

هرگاه کسی مستحق دوستی خداوند و خوشبختی باشد، مرگ در برابر چشمان او می آید و آرزو پشت سرش می رود و هرگاه مستحق دوستی شیطان و بدبختی باشد، آرزو پیش چشم او، و مرگ پشت سرش قرار می گیرد.

۵- پیامبر صلی الله علیه و آله: مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ مِنْ شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ سُوءُ الْخُلُقِ؛

از خوشبختی انسان خوش اخلاقی و از بدبختی انسان بد اخلاقی است.

کلید خوشبختی و سعادت در قرآن

در فرهنگ قرآن برای کسانی که به رستگاری و سعادت رسیده اند ویژگی‌های خاصی بیان شده است. برای کسانی که طالب فلاح و راستگاری هستند بسیار لازم است جویای منطق قرآن شوند و از آن ملاک و معیارها با خبر شوند تا اینکه خود را با آن وازن الهی تطبیق داده و در نهایت فلاح و رستگاری خود را تضمین نمایند.

کلید اول: عبادت و نماز خاشعانه

در منطق قرآن کسانی که در دنیا توانسته باشند خدای متعال را خاشعانه عبادت کنند رهنمود میشوند. بعضی افراد هرچند در دنیا نماز را ترک نمی کنند ولی نماز خواندن آنها دارای ویژگی خشوع نیست و چه بسا این عدم خشوع در نماز تاثیر واقعی بندگی را در آنها نداشته باشد.

قرآن مجید یکی از ویژگی‌های مؤمنان رستگار را خشوع در نماز معرفی می نماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (مؤمنون/۲-۱) به تحقیق رستگار شدند مؤمنان، آنان که در نمازشان خشوع دارند»

"خاشعون" از ماده "خشوع" به معنی حالت تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر شخص بزرگ یا حقیقت مهمی در انسان پیدا می شود، و آثارش در بدن ظاهر می گردد.

کلید دوم: نزدیکی به لغویات ممنوع

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (مؤمنون/۳) و آنها که از لغو و بیهودگی روی گردانند»

یکی از موانع کمال و رسیدن به سعادت و رستگاری اشتغال به کارهای لغو و بیهوده است. کسانی که در دنیا نتوانسته اند مرز میان کارهای خوب و کارهای لغو و بیهوده را جدا کنند خود را از درجات سعادت محروم ساخته است.

البته این نکته حائز اهمیت است لغو تنها شامل سخنان و افعال بیهوده نمی شود بلکه افکار بیهوده و بی پایه‌ای که انسان را از یاد خدا غافل و از تفکر در آنچه مفید و سازنده است به خود مشغول می دارد همه در مفهوم لغو جمع است.

کلید سوم: از پرداخت زکات امتناع نمی‌کند

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (مومنون/۴) و آنها که زکات را انجام می‌دهند»

در فرهنگ قرآنی کسانی که در زندگی دنیایی خود سهمی از اموال و داشته خود را به عنوان زکات در اختیار نیازمندان قرار می‌دهند در زمره رستگاران قرار دارند.

کلید چهارم: از آلودگی بی‌عفتی بدورند

از جمله زیبا ترین مولفه‌ها و شاخص‌های افراد رستگار و سعادتمند در فرهنگ قرآن دوری از بی‌عفتی و روابط نامشروع است. خداوند متعال در این خصوص می‌فرماید:

«وَالَّذِينَ هُمْ لِأُذُنِهِمْ فَاعِلُونَ (مومنون/۵) و آنها که دامن خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند»

کلید پنجم: توبه و رجوع به درگاه الهی دارند

شاید زندگی کردن بدون گناه کار سختی باشد ولی یقیناً غیر ممکن نیست. ولی با این حال اگر انسان در حیات دنیوی خود مرتکب فعل حرامی شد نباید درهای رحمت الهی را به روی خود بسته ببیند چرا که این باور خود از بدترین گناهان به حساب می‌آید در منطق قرآن کسانی که به سوی خدای متعال بازگشت می‌کنند رستگارانند:

«وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (نور/۳۱) و همگی بسوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید!».

کلید ششم: رعایت تقوای الهی

رعایت تقوای الهی به این معناست که انسان متقی دارای صفتی می‌شود که او را از گناه و نافرمانی خداوند متعال، باز می‌دارد و بر طاعت و بندگی او برمی‌انگیزد. خداوند متعال در وصف و سرانجام تقوای الهی می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (مائده/۱۰۰) از (مخالفت) خدا بپرهیزید ای صاحبان خرد، شاید رستگار شوید!».

موانع سعادت و خوشبختی

۱- اعراض از ذکر خدا

"و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت."

از این آیه استفاده می شود که روی گردانی از یاد خدا زندگی سخت و پرمشقتی را به دنبال داشته و مانع از رسیدن انسان به سعادت و خوشبختی است .

۲- عصیان و تمرد از احکام الهی

"و آن کس که نافرمانی خدا و پیامبرش را کند و از مرزهای او تجاوز نماید، او را در آتشی وارد می کند که جاودانه در آن خواهد ماند، و برای او مجازات خوارکننده ای است."

هر که در مقام عصیان و تمرد برآید و از حدود اسلام بدر رود، سیرت آن خلود در شقاوت و شعله های آتشین است."

۳- بدعت در دین

"نگوید: این حلال است و آن حرام... به یقین کسانی که به خدا دروغ می بندند، رستگار نخواهند شد."

از این آیه شریفه استفاده می شود که بدعت در دین و نسبت دادن احکام به خدا بدون دلیل، موجب محرومیت از رستگاری و سعادت ابدی است، زیرا ریشه بدعت گذاری در دین، گفته های بی اساس و دروغین است و این کار نزد خدا حرام و باعث محرومیت فرد از رستگاری و سعادت دنیا و آخرت خواهد بود.

۴- معصیت و گناه

و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است.

از آیه شریفه استفاده می شود که معصیت و گناه، سبب محرومیت از رستگاری و سعادت، و عامل رسیدن به شقاوت و بدبختی است.

۵- ظلم و بیدادگری

"مسلمانان، رستگار نخواهند شد."

از این آیه برداشت می شود که ظالمان، بیدادگران و ستمگران از فلاح، رستگاری و سعادت بی بهره اند و نصیبی نخواهند برد، و در گروه شقاوتمندان و تیره بختان قرار خواهند گرفت.

۶- غفلت

به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم، آنها دلها (=عقلها) بی دارند که با آن (اندیشه نمی کنند، و) نمی فهمند؛ و چشمانی که با آن نمی بینند، و گوشهایی که با آن نمی شنوند؛ آن ها هم همچون چهارپایانند، بلکه گمراهتر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن همه گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند).

۷- هواپرستی

"آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خویش قرار داده و خداوند او را با آگاهی (بر این که شایسته هدایت نیست) گمراه ساخته و بر گوش و قلبش مهر زده و بر چشمش پرده ای افکنده است؟ با این حال چه کسی می تواند غیر از خدا او را هدایت کند؟! آیا متذکر نمی شوید؟!"

جمع بندی و نتیجه گیری

باید برای سعادت و خوش بختی در خانواده عوامل منطقی و درستی در دست داشته باشیم که بهترین عوامل، در آیات قرآن کریم و روایات معصومان(ع) بیان شده است. از آن جمله می توان به:

۱. دقت در انتخاب همسر
۲. ایمان و دینداری
۳. عقل و هوش
۴. تفاهم اخلاقی
۵. عفت و پاک دامنی
۶. اهداف مشترک
۷. عمل صالح اشاره کرد .

این عوامل سبب سعادت و خوش بختی انسان در دنیا و آخرت می شود. باید به مرد و زن جوانی که می خواهند با هم ازدواج کنند توصیه شود در انتخاب همسر به این عوامل دقت کامل داشته باشند که چه کس را در دین و اسرار خود آگاه می-سازند .مسلمایک همسر با ایمان، عاقل، بااخلاق و پاک دامن نمی تواند با یک همسر بی ایمان، بی عقل، بداخلاق و خیانت کار و بی عفت ازدواج کند و عمرش را با بدبختی بگذراند.

۱. ر. ك، زمانى، مصطفى، عشق و خودكشى، پيام اسلام، قم: به نقل از زمزم معارف، ش ۱۶، ص ۳۸، سال ۱۳۸۷ .
۲. بايار، ويرجينيا، چگونه انسان بهتر باشيم، ترجمه ي ناهيد فخرايى، ص ۱۹۰، بنگاه ترجمه و نشر كتاب تهران، بى تا .
۳. ويليام جيمز، دين و روان، ترجمه ي مهدى قائنى، ص ۱۰۶، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، تهران، بى تا .
۴. حر عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۱۷، تهران: المكتب الاسلاميه، ۱۳۶۷ .
۵. همان، ص ۱۲ .
۶. همان، ص ۲۲ .
۷. بقره، آيه ي ۲۲۱ .
۸. وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۳۱ .
۹. كلينى، محمد بن يعقوب، فروع الكافى، ج ۵، ص ۳۳۳، بيروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ .
۱۰. همان، ص ۳۲۷ .
۱۱. امينى، ابراهيم، انتخاب همسر، ص ۱۰۲، تهران :موسسه ي انتشارات اميركبير، سال ۱۳۷۸ .
۱۲. نورى الطبرسى، ميرزا حسن، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۹۳، قم: موسسه ي آل البيت، ۱۴۰۷ .
۱۳. كلينى، محمد بن يعقوب، اصول كافى، ترجمه ي سيدجواد مصطفوى، ج ۱، ص ۳۰، تهران: چاپ دوم، ۱۳۷۷ .
۱۴. وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۵۱ .
۱۵. الطبرسى، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، ص ۲۳۳، تهران: سال ۱۳۷۶ .
۱۶. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱-۲ .
۱۷. نور، آيه ي ۳ .
۱۸. وسائل الشيعه، ج ۱۴، ص ۲۳ .
۱۹. همان، ص ۵۱ .
۲۰. مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۸۵، بيروت: موسسه ي الوفا، ۱۴۰۹ .
۲۱. مولوى بلخى، جلال الدين محمد، مثنوى معنوى، ص ۲۶۹، اقبال سال ۱۳۷۴ .

۲۲. الکسنو، ریتال و ربچاد، زمینه ی روان شناسی، ترجمه ی محمدتقی براهنی، ج ۱، ص ۱۸۰، بهروز، تهران، سال ۱۳۶۷ .
۲۳. لپ، انیاس، روان شناسی عشق ورزیدن، ترجمه ی کاظم سامی و محمود ریاض، ص ۲۱۷، رز، تهران، سال ۱۳۵۶ .
۲۴. نحل، آیه ی ۹۷ .
۲۵. مدثر، آیه ی ۳۸ .
۲۶. فرقان، آیه ی ۷۴ .
۲۷. حسینی، اکرم، تحکیم خانواده در آموزه های قرآنی، نشریه ی کتاب زنان، ش ۲۶؛ ص ۶۸، سال ۱۳۸۳ .
۲۸. طور، آیه ی ۲۱ .
۲۹. قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی، ج ۱۷، ص ۴۵، بیروت: دار الکتب العلمیه، سال ۱۴۲۰ .
۳۰. هود، آیه ی ۴۵ .
۳۱. همان، آیه ی ۴۶ .
۳۲. مریم، آیه ی ۱۴-۱۵ .
۳۳. همان، آیه ی ۳۱-۳۲ .
- لغت نامه دهخدا، ج ۶، ص ۸۸۷۵ .
۳۴. سید هاشم رسولی محلاتی، کیفر گناه، ص ۲۷۸ .
۳۵. محمد تقی مصباح اخلاق در قرآن ج ۱ ص ۱۰۲
همان، ص ۲۸۰ .
- شمس (۹۱) آیه ۹
۳۶. حکمت ها و اندرزها، ص ۴۰-۴۱ با تلخیص .
۳۷. رعد (۱۳) آیه ۲۸
۳۸. طه (۲۰) آیه ۱۲۴
- بحار الانوار، ج ۷۴ ص ۱۸۵
۳۹. بحار الانوار، ج ۱۰۴ ص ۹۸
- نهج البلاغه فیض الاسلام ، خطبه ۸۵
- تفسیر نمونه ، ج ۹ ص ۲۵۰

۴۰. غرر الحکم ج ۲ ص ۴۴۱.
۴۱. طه (۲۰)، آیه ۱۲۴.
۴۲. نساء (۴)، آیه ۱۴.
۴۳. آقاسید محمد حسینی همدانی، انوار درخشان در تفسیر قرآن، پیشین، ج ۳، ص ۳۶۶.
۴۴. نحل (۱۶)، آیه ۱۱۶.
۴۵. آیات شریفه دیگری به این مانع اشاره دارد از جمله: انعام (۶)، آیه ۲۱، یونس (۱۰)، آیه ۷۰.
۴۶. شمس (۹۱)، آیه ۱۰.
۴۷. انعام (۶)، آیه ۲۱.
۴۸. آیات دیگری نیز به این مانع اشاره دارد، از جمله: انعام (۶)، آیه ۱۳۵؛ قصص (۲۸)، آیه ۳۷.
۴۹. اعراف (۷)، آیه ۱۷۹.
۵۰. جاثیه (۴۵)، آیه ۲۳.
۵۱. . تبیان